

بازخوانی ظرفیت‌های تمدنی جهان اسلام به بهانه موج بیداری اسلامی

سردبیر

اشاره

از ماه‌های پایانی سال ۱۳۸۹ش و آغازین روزهای ۲۰۱۱م، و با شروع موج بیداری اسلامی از شمال آفریقا تا منطقه خاورمیانه، بار دیگر افکار عمومی متوجه جهان اسلام شده و تحلیل‌ها و پژوهش‌ها بر تحولات جهان اسلام تمرکز یافته است. در این میان اندیشمندان و بیدارگران اسلامی و هویت‌جویان جوان که به واقع صحنه‌گردانان اصلی تحولات بودند، به بازخوانی ظرفیت‌ها و امکانات خود پرداخته و در صدد جبران تحقیرهای دهه‌های گذشته برآمدند؛ موضوعی که برای هر مسلمان آزاده، در عین آزاردهندگی به جهت شرایط فعلی نامناسب آن، جذاب و حلاوتی خاص دارد و می‌طلبد که همواره آن را چون تابلویی در مقابل خود ببیند. این قلم نیز بی‌تاب از پرداختن به برخی از ظرفیت‌های عظیم تمدنی اسلام است که اراده الهی بر احیای مجدد آن تعلق گرفته است.

۱- انبوه جمعیت، پراکندگی و وسعت سرزمینی در عین یگانگی هویت

جهان اسلام با داشتن بیش از یک پنجم جمعیت جهان، ۵۷ کشور و سرزمین‌های

وسیع‌تری را تشکیل می‌دهد که به ویژه در دهه‌های اخیر به مثابه یک هویت واحد مطرح شده است. اصطلاح «جهان اسلام» بیش از آن که بیانگر یک موقعیت جغرافیایی باشد، معرف هویت بیش از یک و نیم میلیارد انسان است که دارای آئین و دینی مشترک هستند. آنچه که این جمعیت عظیم را علی‌رغم اختلافات نژادی، قومی و زبانی به یکدیگر پیوند می‌دهد، اعتقادات مشترک آن‌ها نسبت به خدای واحد، قبله واحد، قرآن یگانه، پیامبر گرامی اسلام (ص) و دستورات و احکامی است که خداوند توسط پیامبر اکرم (ص)، اهل بیت (ع) و اصحاب ایشان آن‌ها را تبیین کرده است.

از لحاظ جغرافیایی می‌توان گفت پیروان اسلام در قاره‌های مختلف جهان حضور دارند و جهان اسلام وسعت قابل ملاحظه‌ای از کره خاکی را در بر می‌گیرد. گستره آن حدود یازده هزار کیلومتر طول جغرافیایی، از غربی‌ترین نقطه در شمال آفریقا تا جزایر جاوه اندونزی و حدود شش هزار کیلومتر عرض جغرافیایی، از شمال قزاقستان تا جنوب سودان را در بر می‌گیرد. قاره آسیا بیش از یک میلیارد از مسلمانان جهان را در خود جای داده است. حدود ۳۹۰ میلیون مسلمان ساکن آفریقا هستند. بیش از ۲۰ میلیون مسلمان در اروپا و بیش از ۲۷ میلیون مسلمان نیز در روسیه به سر می‌برند. همچنین حدود یک و نیم میلیون مسلمان در آمریکای لاتین و ۹ میلیون مسلمان در آمریکا و کانادا زندگی می‌کنند. پر جمعیت‌ترین کشور اسلامی اندونزی و کم جمعیت‌ترین آن‌ها مالدیو است.

۲- معارف عقلی و انسانی

عقلانیت و منطق در تفسیر عالم و زندگی و نیز در تبیین رابطه خالق و مخلوق، همچنین عقلانیت و واقع‌نگری در مسائل اجتماعی، اسلام را بعنوان قدرتی بلامنازع در مناظره‌ها و گفتگوها مطرح نموده است و این مزیت می‌تواند در معرفی و اثبات ویژگی‌های ممتاز و حقانی مسلمانان در جهان امروز بسیار مؤثر باشد. بشر امروز نیازمند و در عین حال در جستجوی حقایق زندگی این جهان است و اسلام توان و منابع پاسخ‌گویی مستدل و منطقی به پرسش‌های بی‌شمار انسان حیران امروز را در اختیار دارد.

همچنین اسلام به عنوان یکی از مهمترین ادیان آسمانی، رساترین معارف و قوانین را در خصوص حقوق بشر در خود جای داده است. این دین رابطه مسالمت‌آمیزی با سایر ادیان دارد و از ظرفیت همزیستی مسالمت‌آمیز بالایی برخوردار می‌باشد.

۳- توان ارتباطی و تنوع زبانی

به دلیل وسعت سرزمین‌های اسلامی و میلیون‌ها مسلمانی که در نقاط مختلف جهان زندگی می‌کنند، تنوع زبانی در جهان اسلام فراوان است و به همین جهت اسلام با تمامی ساکنان کره زمین با هر زبان و گویشی توان ارتباط و مفاهمه دارد. البته زبان‌های عربی، فارسی و ترکی از زبان‌های پر مخاطب و مهم در جهان اسلام محسوب می‌شوند. همچنین تعداد زیادی از مسلمانان در کشورهای پاکستان و هند به زبان اردو تکلم می‌کنند و نیز حدود ۱۴ درصد از جمعیت مسلمانان که در کشورهای اندونزی و مالزی زندگی می‌کنند، به زبان مالایی سخن می‌گویند.

علاوه بر این، در کنار کشورهای اسلامی، کشورهایی وجود دارند که مسلمانان به صورت اقلیت در آن‌ها حضور دارند. در این خصوص، برخی نظیر مسلمانان چین و بالکان از قرن‌ها پیش در این مناطق ساکن بوده‌اند و گروهی دیگر از مسلمانان نیز به صورت مهاجر در کشورهای اروپایی و آمریکایی زندگی می‌کنند.

۴- جهان شمولی و فرا قومی، زبانی، جغرافیایی و ...

یکی از امتیازات مهم مکتب اسلام که در آیات قرآنی و روایات اسلامی به آن اشاره و تاکید شده، این است که اسلام منحصر به قوم، زبان، ملیت و جغرافیای خاصی نیست و دین جهانی به شمار می‌آید. از همین رو ملل مسلمان از نژادهای مختلف تشکیل شده‌اند. در ۱۹ کشور اسلامی، اکثریت با نژاد سامی و عرب است. البته اقلیت‌های دیگر نژادی نظیر کردها نیز در کشورهای عربی چون عراق و سوریه حضور دارند. در کشورهای آفریقایی عرب زبان نیز جمعیت‌های بربر دیده می‌شود. در میان کشورهای مسلمان قاره

آفریقا ۱۱ کشور دارای اکثریت سیاه پوست هستند. خاستگاه نژادی برخی از مسلمانان که در آسیا زندگی می‌کنند، زرد است و شامل تیره‌هایی نظیر مغولی تاتار، زرد مالایی و زرد اندونزیایی می‌باشند. همان‌گونه که منشأ نژادی ایرانی‌ها، افغان‌ها و تاجیک‌ها، آریایی است و مردم پاکستان از نژاد سفید و تیره‌های سند و پنجابی هستند.

۵- موقعیت استراتژیک و منابع سرشار

علاوه بر ویژگی جمعیتی، به لحاظ جغرافیایی، زیست‌محیطی و ذخایر طبیعی نیز سرزمین‌های اسلامی در شمار غنی‌ترین مناطق کره زمین به شمار می‌روند. امکانات و ویژگی‌های این سرزمین‌ها باعث شده است تا طی قرن‌های متمادی، جهان اسلام نقش بسیار مهم و تأثیرگذاری در صحنه روابط بین‌الملل ایفا کند. کشورهای اسلامی بیش از ۷۵ درصد منابع انرژی جهان را که ماده حیاتی نظام صنعتی به شمار می‌آید، در اختیار دارند. با توجه به رو به کاهش بودن منابع هیدرو کربنی انرژی در سایر حوزه‌ها، منطقه خلیج فارس به علت دارا بودن منابع عظیم انرژی همچنان مورد توجه جدی اقتصاد جهانی است. همچنین به لحاظ جغرافیایی و استراتژیکی نیز کشورهای اسلامی بر بسیاری از دریاها و آبراه‌های بزرگ مانند خلیج فارس، تنگه هرمز، دریای سرخ و کانال سوئز تسلط دارند.

۶- پیشینه علم و تمدن

به دلیل تأکیدی که دین مبین اسلام بر کسب علم و دانش دارد، مسلمانان در چندین قرن پس از بعثت پیامبر گرامی اسلام (ص) فراگیری علم را چنان در دستور کار خود قرار دادند که در اندک زمانی، توانستند دروازه‌های علوم و فنون را فتح کنند و در روزگاری که غرب در عصر تاریکی به سر می‌برد، این اندیشمندان مسلمان بودند که به کشفیات نوینی در عرصه‌های علمی دست یافتند و آرام آرام این حرکت علمی مسلمانان تا آندلس و قلب اروپا پیش رفت. اندیشمندان غربی از دستاوردهای علمی مسلمانان بهره گرفتند و توانستند پایه‌های تمدن امروز خویش را با استفاده از کشفیات و تولیدات علمی جهان اسلام بنا نمایند.

۷- توکل و امید به آینده

توکل و امید به آینده باعث نشاط اجتماعی و موجب کار و تلاش می‌شود و از آسیب‌های جوامع غیر دینی جلوگیری می‌کند. اعتقاد به آینده‌ای روشن و جهانی زیبا در روزگار موعود در دنیا و نیز دستیابی به پادشاهی‌های اعمال و رفتار نیک در جهان پس از مرگ، یعنی عقیده به معاد، زندگی مؤمنان را سرشار از نشاط و نورانیت می‌کند و خود موجب حل بسیاری از مسائل می‌شود.

به هر تقدیر با توجه به شرایط موجود، می‌توان گفت که مسلمانان در جهان امروز از منابع مهم قدرت بر خوردارند که عبارتند از:

- جهان‌شمولی و توانمندی‌ها و ظرفیت‌های فرهنگی و عقیدتی اسلام که در حال حاضر مهم‌ترین عامل قدرت و اتحاد کشورهای اسلامی به شمار می‌آید؛
- منابع عظیم نفت و گاز و همچنین بسیاری دیگر از منابع مهم اقتصادی؛
- جمعیت قابل توجه مسلمانان که نسبت به چند دهه گذشته از سطح دانش و تخصص بالایی برخوردار شده‌اند؛
- موقعیت استراتژیک و ژئواستراتژیک کشورهای اسلامی.

اما وضعیت کنونی جهان اسلام

به رغم سهم قابل توجه مسلمانان از جمعیت و منابع مادی جهانی، در حال حاضر سهم آنان از اقتصاد، سیاست، علم و فناوری جهانی چندان قابل توجه نیست. با وجود عضویت بیش از پنجاه و شش کشور مسلمان در سازمان ملل، نمایندگان کشورهای اسلامی تأثیر چندانی بر تصمیمات جهانی ندارند و حتی مجموعه بزرگتری مانند سازمان کنفرانس اسلامی نیز به دلیل اختلافات درونی، نقش تأثیرگذاری در مسایل جهانی و منطقه‌ای ایفا نمی‌کند.

با توجه به جایگاه مهم انرژی در تحولات سیاسی و اقتصادی جهان، کشورهای اسلامی از ابزار بسیار قدرتمندی در این زمینه برخوردارند؛ اما متأسفانه در طول دهه‌های گذشته به دلیل تسلط قدرت‌های بزرگ بر بسیاری از کشورهای اسلامی، این کشورها جز در موارد اندکی نتوانسته‌اند از این ابزار در جهت حفظ و تأمین منافع مشروع خود بهره

ببرند. از سوی دیگر به دلیل وابستگی سیاسی و فساد داخلی، این ابزار در خدمت رشد و توسعه مسلمانان قرار نگرفته و مسلمانان به رغم بهره‌مندی از منابع عظیم نفت و گاز، در سطوح پایینی از رشد و توسعه اقتصادی و همچنین در زمینه مسائل علمی و فناوری‌های پیشرفته قرار دارند.

یکی از معضلات موجود، ضعف بینش سیاسی برای وحدت است. برخی از کشورهای اسلامی بر این اعتقادند که منافعی که از طریق ارتقای روابط با غرب زیر چتر تولیدات، تکنولوژی، آموزش، بازار و امنیت غربی بهتر تأمین می‌شود. بی‌ثباتی سیاسی در کشورهای اسلامی و تهدید جنگ‌های داخلی و منطقه‌ای، بعضی از کشورها را به معضل ناامنی دچار کرده است و در نتیجه، آن‌ها برای حمایت به غرب، خصوصاً آمریکا متوسل شده‌اند. این مسأله همچنین موجب شده است که بسیاری از کشورهای اسلامی برای تأمین امنیت خود به خرید انواع تسلیحات از کشورهای غربی روی آورند.

بر اساس برخی آمارها در حدود دوسوم فروش تسلیحات به کشورهای در حال توسعه انجام می‌شود و در این میان، خاورمیانه بزرگ‌ترین خریدار آن است. در طی سی سال گذشته، هزینه‌های نظامی جهان عرب به تنهایی به صدها میلیارد دلار بالغ می‌شود. مسلمانان حدود ۱۰ الی ۱۵ درصد تولید ناخالص ملی خود را به نیروی نظامی اختصاص می‌دهند که این رقم در سایر کشورهای جهان ۴/۵ درصد است.

در کنار مسائل و مشکلات داخلی کشورهای اسلامی، رقابت و برتری‌جویی قدرت‌های جهان در مناطق استراتژیکی همچون خاورمیانه و خلیج فارس نیز مشکلات و گرفتاری‌های زیادی را برای کشورهای منطقه ایجاد کرده است؛ اشغال نظامی افغانستان و عراق را می‌توان از این دست برشمرد که نتایج ناگواری برای منطقه دربر داشته است.

به علاوه، فشار کشورهای غربی و تحریم اقتصادی و مالی نیز یکی دیگر از مشکلاتی است که بخشی از مسلمانان با آن مواجه می‌باشند. طبق آمار کمیساریای عالی حمایت از پناهندگان ملل متحد، بالغ بر سیصد میلیون نفر مسلمان تحت شرایط بسیار سخت اقتصادی با حمایت سازمان ملل متحد زندگی می‌کنند که این وضعیت، مرگ هزاران نفر بی‌گناه را باعث می‌شود و تأثیر ویرانگری بر وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جوامع کشورهای درگیر

دارد. به علاوه مسلمانان بی‌پناه و آواره در جهان بیشتر از هر گروهی هستند. چالش‌های اقتصادی جهانی، شاید بزرگ‌ترین چالش پیش‌روی مسلمانان، در وضعیت جهانی شدن باشد. فقدان ساختارهای صنعتی و تجاری قدرتمند، کشورهای اسلامی را در روند رقابت جهانی برای کسب بازارهای بیشتر دچار مشکل ساخته است.

علاوه بر این، اختلافات قومی - فرقه‌ای در میان مسلمانان که اغلب توسط قدرت‌های بیرونی دامن زده می‌شود، یکی دیگر از چالش‌های کنونی مسلمانان به حساب می‌آید. گسترش احساسات افراطی ملی‌گرایانه در کنار اختلافات ارضی کشورهای اسلامی و از همه مهم‌تر مسأله دامن زدن به اختلاف میان شیعیان و اهل تسنن، یکی از بزرگ‌ترین معضلاتی است که در حال حاضر گریبان‌گیر جوامع اسلامی می‌باشد. در سال‌های اخیر بهبود نسبی موقعیت شیعیان در لبنان و عراق موجب نگرانی برخی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای گردیده و در نتیجه به تشدید تلاش‌های آنان از طریق افزایش تنش و اختلاف میان شیعیان و اهل تسنن منجر شده است.

از سوی دیگر، امروزه برداشت‌های مختلف و گاه افراطی از اسلام، زمینه دخالت ابر قدرت‌ها را در برخی از کشورهای اسلامی بیش از گذشته فراهم کرده است. برای نمونه نگاه افراطی طالبان به اسلام و مغایرت رفتار آن‌ها با اصول منطقی اسلام، بهانه‌ای برای کشورها و رسانه‌های غربی شده تا اسلام را مورد حمله شدید قرار دهند. عده‌ای هم در غرب با استفاده از ابزار تبلیغات، اعمال خلاف اسلام و خشونت‌بار برخی مسلمان‌نمایان را به اسلام منتسب و تلاش نمودند تا آن چه اتفاق افتاده را واقعیت جهان اسلام معرفی کنند.

اگرچه هدف نهادهایی چون سازمان کنفرانس اسلامی تلاش برای گسترش وحدت و تفاهم بین دولت‌های عضو است، اما کشورهای اسلامی از اختلافات درونی زیادی رنج می‌برند. در این میان حتی معضل و فاجعه بزرگی مانند فلسطین نیز نتوانسته است در کاهش این اختلافات نقش مؤثری ایفا کند. رفتارهای دوگانه برخی از کشورهای اسلامی در این زمینه تاکنون امکان دستیابی به یک وحدت رویه را در میان کشورهای اسلامی دشوار ساخته است.

کشورهای اسلامی از یک سو نیازمند اتخاذ سیاست‌های اقتصادی مؤثر و منطقی به منظور افزایش قدرت رقابت‌پذیری در سطح داخلی هستند و از سوی دیگر باید ساز و کارهای همکاری را در میان خود تقویت نمایند. همکاری‌های اقتصادی در این زمینه باید از طریق ایجاد اتحادیه‌های گمرکی، توافقات دوجانبه و چندجانبه، مناطق آزاد تجاری و گروه‌های منطقه‌ای صورت گیرد. مسلمانان برای افزایش قدرت اقتصادی جهانی در معاملات بازرگانی و میزان تأثیرگذاری بر نوسانات بازار جهانی، باید بتوانند استانداردهای بین‌المللی را رعایت و مهارت‌های لازم را در حیطة مزیت نسبی کسب کنند.

در حال حاضر کشورهای جهان اسلام، به تنهایی توانایی مقابله با فشارهای بازرگان قدرتمند جهانی را ندارند. از این رو با توجه به آنچه بیان شد و با توجه به شرایط منطقه‌ای کشورهای جهان اسلام، نیاز فوری به تأسیس و گسترش سازمان‌های منطقه‌ای، مثل بانک توسعه اسلامی، برای افزایش رقابت و هدایت صحیح سرمایه‌های موجود، وجود دارد. پی‌گیری سیاست همکاری بین مسلمانان و تنظیم سیاست‌های مشترک، منافع منطقه‌ای و جهانی آن‌ها را تضمین می‌کند.

و مسلم آن که تعریف مشترک از هویت و منافع، عامل اصلی ایجاد یکپارچگی و وحدت درونی جهان اسلام می‌باشد. رفع اختلافات موجود، که اساساً ریشه در سنت‌های دیرین و مطرود دارد، خود اساس همبستگی و اتحاد می‌باشد. به عبارت دیگر، ابعاد سیاسی دین مبین اسلام به قدری گویا، واضح و روشن می‌باشد که صرف نظر از ایجاد هرگونه ساختاری قادر خواهد بود تا ملت اسلام را به طور خود جوش، در مسیری که باید بپیماید، قرار دهد. در این سپهر است که می‌توان با تعریفی عام‌تر از «بیداری اسلامی» به ظرفیت‌های تمدنی جهان اسلام نظر داشت و با انتقال تجربیات کشورهای اسلامی و شکل‌گیری روابط منسجم بین کشورها امیدوار بود که جهان اسلام به سوی بهره‌مندی از ظرفیت‌های تمدنی برشمرده در این نوشتار پیش رود. به امید آن روز.